

# برای درهم شکستن توطئه هفتم آمریکا

## قاطعیت انقلابی و اتحاد نیروهای انقلابی ضرور است

باند قاسملو و ضد انقلابیون وابسته به ضیاءالحق به تحریکات خود شدت داده اند

توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا برای نابود کردن جمهوری اسلامی ایران، آخرین مراحل اجرایی خود را طی می کند و هر روز گوشه دیگری از جبهه عظیم آن، از دریای پرخروش حوادث خود را نمایان می سازد. امپریالیسم آمریکا تمام نیروهای خود را برای وارد آوردن ضربتی مهلک تر بر پیکر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بکار گرفته است.

تدارک توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا درست زمانی آغاز شد که توطئه ششم، یعنی تجاوز نظامی رژیم صدام حسین، شکست

خود را آشکار ساخته بود. هجوم لشکر صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران، بواسطه جانبازی و فداکاری یحیی و حسن نیر - های انقلابی و مردمی و نیز نیرو - های مسلح انقلاب، پیچوجبه به هدفهای مورد نظر، که تسخیر خوزستان و ایجاد حکومت دایران آزاده توسط سرسپردگان امپریالیسم آمریکا و سپس خفه کردن انقلاب ایران بود، نائل نگشت. نیروهای متجاوز صدام حسین پس از پیشروی اندکی متوقف شدند و بحسبان رژیم جنایتکار صدام را فسر گرفت.

بدینسان توطئه ششم نه تنها به ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران دست نیافته، بلکه یک رژیم جنایتکار و پوسیده دیگر را، که از سیاستهای امپریالیستی در منطقه پیروی می کرده، در آستانه سقوط قرار داده است.

امپریالیسم آمریکا، بلافاصله پس از شکست به تجهیز نیرو - های خود برای وارد آوردن ضربتی دیگری بر انقلاب ایران، روی آورد. آنچه که در دوران بیست و یک ساله اخیر در کشور مساحتش از آنجا که ممکن است، میان مسئولان جمهوری اسلامی ایران جدائی و کشتش بقیه در صفحه ۷



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۰۰  
یکشنبه ۳۰ آذر ۱۳۵۹، مطابق با  
۱۳ صفر ۱۴۰۱، به: ۱۵ ریال

**فیدل کاسترو:**  
**امپریالیسم آمریکایی نابود کردن جنبش های آزاد پیکار برای «سپاه واکش» سریع «ایجاد کرده است»**  
صفحه ۸ - رویدادهای جهان

## تشکیل جبهه ای از ایران و کشورهای «عضو جبهه پایداری» بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم یک ضرورت انقلابی است

مخالفان با پیشنهاد سفیر لیبی برای تشکیل این جبهه، باید به مردم ایران معرفی شوند.

چنانکه چند روز پیش گزارش دادیم، سفیر لیبی در تهران، در مصاحبه ای با مجله «بام انقلاب»، از ارکان سپاه پاسداران اعلام کرد که وی نزدیک به یکسال پیش، طرحی را برای تشکیل جبهه ای مرکب از ایران، الجزایر، سوریه، لیبی و سازمان آزادی بخش فلسطین، به مقامات ایرانی ارائه داده است.

بگفته سفیر لیبی، امام خمینی و آیت الله منتظری با این پیشنهاد موافقت کردند، ولی بعضی از عناصر مخالف، پیشنهاد طرح ما را بهم زدند و حتی به اسم آنها را می شناسم. الان هم دنیا و برادران ما در ایران متوجه شدند که ما در گفتارمان صادق بودیم.

در مذاکرات نامبرده سفیر لیبی در تهران یاد دیگر یادآور دوران دردناکی است که «لیبرال ها» و وزیران برگزیده شان در صحنه سیاست خارجی ایران ترکازی میکردند و همه کوشش خود را در راه لوث مرز میان دوستان و دشمنان خارجی انقلاب ایران بکار می بردند. اینان از یکسو، زیر پرچم «وحدت کشورهای اسلامی منطقه» با مرتجع ترین سران رژیم های وابسته به امپریالیسم آمریکا در منطقه، از جمله ضیاءالحق ها، همنشین و همکوش می شدند، و از سوی دیگر، با ترندهای رنگارنگ، در راه برقراری و تحکیم مناسبات دوستانه جمهوری اسلامی ایران با دولت ها و نیروهای مترقی منطقه، که همواره از انقلاب ایران پشتیبانی میکردند، سنگ می افکندند. در این زمینه کافی است به مورد مشخص لیبی اشاره شود، که لیبرال ها

و برخی «دست های مرموز»، بگفته سعد مجیری، پیوسته توطئه «سیا» علیه لیبی را زیر عنوان «ماجورای امام موسی صدر» علم میکردند و به کارشناسی های چهپسا توهین آمیز علیه لیبی و رهبران آن دست می - یازیدند. در حالیکه، مقامات لیبی از جمله، خود سعد مجیری، بارها، اعلام داشتند که:

«ما با تمام قوا از آن (انقلاب ایران) جالبهاری می کنیم و تمام امکانات خود را در اختیار این انقلاب قرار میدهیم».

دسیسه های بی در پی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و روند زرفش انقلاب ۲۲ بهمن، بویژه پس از جنگ آمریکا فرموده و تحمیلی دارومست صدام حسین علیه ایران، پیش از هر وقت، مرز بندی میان دوستان و دشمنان انقلاب ایران را در منطقه آشکار ساخت. در حالیکه شاه حسین ها، ملک خالدها و قابوس ها و ضیاءالحق ها، نپان و آشکار به پشتیبانی از تجاوز کاران و پشتیبانان «سیا» بی آنها پرداختند، کشورها و نیروهای مترقی عرب، بویژه لیبی، سوریه، بقیه در صفحه ۴

در جبهه های سرپل ذهاب و قصر شیرین:

## رزمندگان انقلاب، تجاوزگران صدامی را از چند منطقه استراتژیک عقب راندند

چندین تانک، سنگر و انبار مهمات دشمن منهدم و تعدادی از مزدوران به هلاکت رسیدند

در ادامه نبرد رزمندگان انقلاب با تجاوزگران صدامی چندین تانک نابود شدند و تعدادی از مزدوران دشمن به هلاکت رسیدند. خبرگزاری پارس گزارش داد: در جبهه های اله اکبر، ملیحان و آب تیمور، ۴ تانک، ۲ تیربار، یک برج دیده بانی، ۱۱ سنگر و ۱ انبار مهمات دشمن منهدم و گروه زیادی از مزدوران عراقی کشته و زخمی شدند.

خبرگزاری پارس از اهواز گزارش داد: نبرد همه جانبه نیروهای انقلاب با متجاوزین در تمامی جبهه های منطقه اهواز به شدت جریان دارد. ساعت ۱۵:۳۰ روز جمعه مواضع دشمن مزدور در جبهه های اله اکبر زیر آتش توپخانه مدافعان انقلاب قرار گرفت و یکصد تن از دشمنان انقلاب اسلامی منهدم و ۱ انبار مهمات دشمن منهدم و گروه زیادی از مزدوران عراقی کشته و زخمی شدند.

خبرگزاری پارس از اهواز گزارش داد: نبرد همه جانبه نیروهای انقلاب با متجاوزین در تمامی جبهه های منطقه اهواز به شدت جریان دارد. ساعت ۱۵:۳۰ روز جمعه مواضع دشمن مزدور در جبهه های اله اکبر زیر آتش توپخانه مدافعان انقلاب قرار گرفت و یکصد تن از دشمنان انقلاب اسلامی منهدم و ۱ انبار مهمات دشمن منهدم و گروه زیادی از مزدوران عراقی کشته و زخمی شدند.

## افترا به حزب توده ایران آنها در «کارنامه رئیس جمهور»!

با اندکی دقت در متن همان نقل قول میتوان مشاهده کرد که خود رئیس جمهور باین افترا باور ندارد، و بهین دلیل آنرا مستلزم «تحقیق» دانسته است. ناپاوری ایشان بحدی است که «یقین» دارند که این تحقیق نیز «هیچوقت به نتیجه نرسد». بقیه در صفحه ۴

## راه را باز کنید!

با شما هستیم  
سود و سرمایه و سودا به طمع باخترگان!  
با شما شعله به بازار در انداختگان  
و ندرین همه مرگ و حیات  
مردم و مردمی از کالا شناختگان!

به عبث راه مگیرید به خلق  
در گذرگاه چنین سیلی جا خوش مکنید!  
خوش گرفتید ازین پیش مراد دل خویش  
پس ازین بپیداه اندیشه ناخوش مکنید!

کی بود عقل بندین  
پیرهن بر تن توفان کردن؟  
به کمندی کت امواج خروشان بستن؟  
گردبادی به قفس افکندن؟  
یا حریق را در مشت به دام آوردن؟  
از شمایان، همه، می پرسم من.

بروید!  
پانک و فریاد به جای دگر آغاز کنید!  
خلق ازین راه گذر دارد، آی!  
با شما هستیم من  
راه را باز کنید!

۲۷ آذر ۱۳۵۹  
سیاوش کسرانی

## در گذشت آلکسی کاسیگین عضو برجسته حزب کمونیست اتحاد شوروی و نخست وزیر پیشین این کشور



آلکسی کاسیگین، عضو برجسته حزب کمونیست اتحاد شوروی و نخست وزیر پیشین این کشور، روز ۱۸ سپتامبر (۲۷ آذر) در سن ۷۷ سالگی، بر اثر بیماری سخت و طولانی درگذشت. درگذشت وی طی اعلامیه رسمی که از سوی حزب کمونیست اتحاد شوروی و هیئت رئیسه شورای عالی این کشور صادر شد، به اطلاع جهانیان رسید.

آلکسی کاسیگین از سال ۱۹۶۴ تا اکتبر ۱۹۸۰ (۱۳۴۳-۱۳۵۹) رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی بود. وی در سال ۱۹۰۴ (۱۲۸۳) در یک خانواده کارگری در شهر لنینگراد متولد شد و در سال ۱۹۳۶ (۱۳۱۵)

دانشکده نساجی را تمام کرد و مدتی در صنایع نساجی مشغول کار بود. وی در سال ۱۹۴۰ (۱۳۱۹) بعنوان معاون ریاست شورای کمیته های ملی اتحاد شوروی منصوب گردید. در تسلیت نامه ای که از سوی لئوید برژنف و دیگر رهبران حزب و دولت اتحاد شوروی امضاء شده، از نقش برجسته آلکسی کاسیگین، بعنوان سازمانده بزرگ امور اقتصادی و شرکت مؤثر وی در اجرای خط مشی سیاست خارجی اتحاد شوروی یاد شده است.

آلکسی کاسیگین بارها بعنوان عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

برگزیده شد. وی از اعتبار بزرگی در حزب و در میان مردم برخوردار بود. آلکسی کاسیگین به پاس خدمات برجسته، ۲ بار به دریافت لقب «قهرمان کار سوسیالیستی» سرفراز شد. یک هیئت دولتی برای سازماندهی مراسم به خاک سپردن آلکسی کاسیگین در مسکو تشکیل شده است. وی در میدان سرخ، پای دیوار کرملین، به خاک سپرده خواهد شد.

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

اعلام آمادگی سازمان حزب توده ایران در ایمن برای شرکت در جنگ

# توده‌ای‌ها هیچ کوششی در راه دفاع از آرمان‌های مردم دریغ نداشته‌اند

در جبهه و دفاع از جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز نظامی رژیم مزدور صدام و مقابله با توطئه امپریالیسم امریکا، به آن نهاد انقلابی اعلام کنیم.

اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهرستان ایمن آماده‌اند تا هر نوع مأموریتی را که فرمانده سپاه پاسداران معین کند، اعم از تکپهانی در نقاط حساس، شناسایی عوامل ضدانقلاب، کنترل و توزیع ارزاق و سوخت، شرکت در کمیته‌های امداد و کمک‌رسانی و غیره انجام دهند.

تاریخ مین ما نشان داده‌است که توده‌ای‌ها هیچگاه از هیچ کوشش و فداکاری در راه دفاع از آرمانهای مردم زحمتکش و خدمت به خلق دریغ نداشته‌اند.

دفع و همانند دفعات قبل توطئه‌های امپریالیسم امریکا را خنثی خواهد کرد. همانطور که در جبهه‌های جنوب و غرب، و در جریان پایداری دلیرانه مردم در خونین‌شهر دیده شده است، شرط ضرور برای موفقیت در دفاع از انقلاب و مین، همکاری همه مدافعان جمهوری اسلامی، زیر رهبری امام خمینی است.

ما همچنانکه پارها در اعلامیه‌های قبلی، آمادگی خود را برای همکاری با نهادهای انقلابی، در دفاع از انقلاب و خنثی کردن توطئه‌های ضدانقلاب اعلام کرده‌ایم، لازم می‌بینیم که به پیروی از رهنمودهای کمیته مرکزی حزب توده ایران، یکبار دیگر آمادگی خود را برای نبرد

گسترش اثرات آن در منطقه و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است. در واقع این تجاوز بخشی از توطئه‌های امپریالیسم امریکا برای مبارزه با انقلاب ضد-امپریالیستی و مردمی ایران به رهبری امام خمینی است و امپریالیسم امریکا برای پیشبرد این هدف، تمام دولتهای مرتجع دست‌نشانده خود را (مصر، اسرائیل، اردن، عربستان سعودی، عمان، پاکستان و...) برای پشتیبانی و کمک به رژیم‌مزدور صدام بسیج کرده است. ولی امپریالیسم امریکا در محاسبات خود مثل همیشه نیروی عظیم خلق را بدرستی ارزیابی نکرده است. خلق قهرمان ایران با اتحاد عمل خود این تجاوز را

فرقه دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - کمیته شهری ایمن، ضمن نامه‌ای به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایمن، مجددا آمادگی خود را برای مبارزه علیه تجاوزگران صدامی و قبیل وظایف مختلف در این زمینه اعلام کرد.

در این نامه آمده است: «اکنون قریب دو ماه از تجاوز نظامی آشکار رژیم صدام علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میگذرد. امروز بر همه کس آشکار شده است که هدف از این تجاوز بدست آوردن اردن و رود و یا چند کیلومتر مسریع از سرزمین ایران نیست، بلکه منظور مقابله با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از

# کاخ بیدار بزن کنیم خانه حزب را بسازیم

رفتای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان! ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب بکمک مالی شما می‌آییم. کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه سپید قره‌نی شمالی بپردازید. توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

ک م. ۵۰۰۰ ریال  
لیلا با فروش دستبند ۱۵۰۰۰ ریال  
ناشاءالله از فروش روزنامه ۱۵۰۰ ریال

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

### تشکیل جبهه از ایران...

بجزایر، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین دسیسه‌های وسیع امپریالیستی - ارتجاعی را علیه جمهوری اسلامی ایران محکوم کردند و باردیگر پشتیبانی خود را از انقلاب ایران ابراز داشتند.

چنانکه سعد مجبر بدرستی ارزیابی کرده است، چنانچه یکسال پیش با پیشنهاد تشکیل جبهه‌ای مرکب از ایران، لیبی، الجزایر، سوریه، و سازمان آزادیبخش فلسطین جدی‌تر برخورد میشد، شاید عوامل و دستیاران امپریالیسم امریکا در منطقه تا این حد در توطئه بردازی علیه جمهوری نوپای ما جسارت بخرج نمیدادند.

خوشبختانه در ماههای گذشته، بویژه پس از سفر حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، به برخی از کشورهای دوست، این امید توان یافته است، که دولت جمهوری اسلامی ایران متوجه اهمیت تقویت روابط خود با کشورهای مترقی منطقه هست و در نظر دارد گامهای مشخصی در این راه بردارد.

به گفته حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی: «این دولت‌ها بما گفتند هرگونه حمایتی باید برای دوام این انقلاب (ایران) بشود و آنها آماده هرگونه همکاری استراتژیک و تاکتیکی با ما هستند. ما درباره همکاری در همه زمینه‌ها با هم صحبت کردیم، هم در زمینه نظامی، هم در زمینه فرهنگی، هم درباره همکاریهای اقتصادی و درباره توسعه کارها که الان ضعیف است».

اکنون با توجه به گفته‌های بالای سفیر لیبی در تهران در مورد «بعضی از عناصر مخالف»، که «پیشنهاد و طرح ما (لیبی) را بپذیرند» و در پرتو یکی از مصاحبه‌های حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی (اطلاعات - ۱۲۹ آبانماه ۵۹)، که: «ما از اول پیروزی انقلاب این خط را تعقیب میکردیم که نیروهای انقلابی اسلامی در این منطقه باید با هم همکاری کنند» (تکیه از ماست)، باید پرسید که این «عناصر مخالف» چه کسانی بودند و انگیزه آنها از رد پیشنهاد همکاری نزدیک تر با کشورهای «جبهه پایداری» چه بوده است. بنظر ما، پاسخ به این سؤال به روشن شدن بسیاری از مسائل و رویدادهای یکسال اخیر، بویژه در ارتباط با توطئه‌های امپریالیسم امریکا، عمال و کارگزاران آن در منطقه و ایران کمک خواهد کرد.

در این میان، دولت جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد که درباره چگونگی همپیمانی ما با کشورهای مترقی و مستقل منطقه اقدامات مشخصی را آغاز کند. با توجه به اخبار و گزارش‌هایی که درباره ایجاد پیمان نظامی جدید از دوستان امپریالیسم امریکا در منطقه واصل میشود، همپیمانی ما با کشورهای «جبهه پایداری» هم بسود انقلاب ایران است و هم در جهت مصالح دیگر خلق‌های خاورمیانه و نزدیک.

برای ساختن ایرانی مستقل و آزاد و آباد، بسود زحمتکشان و مستضعفین منحرف نخواهد شد.

چنین است خلاصه «کارنامه» چهل‌ساله حزب توده ایران، که نه فقط هر انقلابی راستین بینا و آگاه، بلکه هر مخالف بی‌غرض نیز نمیتواند واقفیت آنها انکار کند. ما از رئیس جمهور متوقع بودیم که لااقل از دیدگاه اینگونه مخالفان، عمل حزب توده ایران را ببیند، و از اینجهت ما از سخنان رئیس‌جمهور، که نقل‌قول کردیم، همانقدر متعجب هستیم که متأسف.

## افترا به حزب توده ایران...

بقیه از صفحه ۱

ما برآنیم که مقامی، در سطح ریاست جمهوری، که مسئول است و باید احساس مسئولیت کند، حق ندارد مطلبی را قبل از «تحقیق» و در نتیجه قبل از وقوف کامل به صحت آن برزبان آورد، چه رسد که این مطلب، افترای سنگینی، آنهم نسبت به یک حزب سیاسی با سابقه چهل‌ساله روشن در مبارزه بی‌امان و آشتی‌ناپذیر برضد امپریالیسم و دربار دست‌نشانده آن در ایران باشد.

از اینکه آقای رئیس‌جمهور بدون پایه و «تحقیق» به حزب توده ایران افترا زده‌اند، میتوان احتمال و احتمالی نزدیک به یقین دان که ایشان سخنان برخی اطرافیان خود را تکرار کرده‌اند. ولی این تکرار «بی‌تحقیق» و بی‌مسئولیت سخن مغرضانه اطرافیان نیز زبینه و شایسته مقامی رسمی، در سطح ریاست جمهوری، نیست. در نقل‌قولی که آوردیم، «توده‌ایها و درباریهای سابق» در یک ردیف قرار داده شده‌اند. توقع از رئیس‌جمهور این بود که اینگونه فحشهای رکیک را نسبت به «توده‌ایها» تکرار نکند، زیرا این‌گونه فحاشی‌ها بعنوان وسیله مبارزه با حزب توده ایران در زرادخانه همان «درباریان سابق» ساخته و پرداخته شده است.

ما از رئیس‌جمهور و از هیچ شخصیت، مقام، گروه، حزب، سازمان و روزنامه‌ای توقع نداریم که از حزب توده ایران پشتیبانی کنند، گرچه این توقعی بجا از طرفداران صدیق انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، که حزب ما نه فقط در گفتار و نوشتار، بلکه در عمل با تمام‌توان خود و در نهایت صداقت تاحد جانفشانی از آن دفاع میکنند و مقامات مسئول، از جمله رئیس‌جمهور، بقدر کافی از آن اطلاع دارند. ولی توقع ما اینست که مخالفت با حزب توده ایران، از طرف کسانی که خود را طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران میدانند، در سطح مخالفت ایدئولوژیک - سیاسی باشد و نه در سطح دروغ‌سازی و تمهت‌زنی، که ضدانقلاب را شاد و خرسند کند. خود رئیس‌جمهور بارها تکرار کرده‌است که مبارزه با دیگر نیروها در جبهه انقلاب را فقط در مقطع ایدئولوژیک سیاسی جایز میدانند، و ما متعجب و متأسفیم که رئیس‌جمهور در مخالفت با حزب توده ایران، از اصلی که خود بکرات عنوان کرده، عدول کرده و حزب ما را به تیر عاریتی افترا بسته است.

و اما حزب توده ایران نیز «کارنامه» دارد و این کارنامه‌پاک است و از اینکه هدف تمهت و افترا و دشنام قرار گیرد بی‌بازگشت تمام عمر چهل‌ساله حزب توده ایران بی‌کم و کاست و بیدریغ صرف مبارزه با امپریالیسم سلطه‌گر، بسرگردگی امریکای چنانیتکار، برای استقلال ایران، صرف مبارزه با استبداد سلطنتی دست‌نشانده و برای آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی مردم ایران شده است. در این مبارزه حزب ما هدف خصوصیت و درندگی حیوانی امپریالیستها و عمال ایرانی آنها قرار گرفته، هزاران قربانی داده، مصائب بی‌شماری متحمل شده، ولی همواره پرچم مبارزه را افراشته نگاه داشته‌است.

پس از انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، که به رهبری امام‌خدیجی به پیروزی رسید، حزب توده ایران طبعاً در صف دیگر نیروهای انقلابی برای تثبیت و تحکیم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و تامین پیروزی قطعی و نهائی آن، به تلاش و کوشش مستمر و بی‌تزلزل و پیکیری پرداخت، که ثمره آن در تاریخ ایران - اگر بدست بی‌غرضان نگاشته شود - ثبت خواهد شد. بهمین دلیل حزب ما در معرض کمین حیوانی ضدانقلاب قرار گرفته و بهمین دلیل نیز از نظر بورژوازی لیبرال ایران گناهی نابخشودنی مرتکب شده‌است و نمایندگان سازشکاران طرفدار بازگشت امپریالیسم امریکا از «بئرحمه»، چون علنا نمیتوانند مواضع حزب توده ایران را در پشتیبانی از «خط امام» مورد حمله قرار دهند، به حزب ما بکمک دروغ و تمهت و افترا حمله‌ور میشوند. ولی حزب توده ایران هیچگاه جلب این «آتش پهلوی» نمیشود و هیچگاه از خط مبارزه برضد امپریالیسم،

## کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم):

# توطئه محکومیت مهندس فاروق کیخسروی را افشا و خنثی سازیم!

هموطنان مبارز ایران! مردم شرافتمند کردستان!

دارودسته خائن قاسملو از روز دهم تیرماه امسال، مهندس فاروق کیخسروی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان (پیرو کنگره چهارم) و محمد ماجدی عضو کمیته حزب شهرستان سقز را دستگیر کرده‌اند. بدنبال این اقدام و برای اینکه اعضاء و هواداران مشی اصولی حزب زهرچشم ببینند، دهها تن از اعضاء و هواداران حزب، به اتهام اعلام عمیستکی یا بخشی از کادر رهبری، که طی جزوه‌ای در ۲۵ خرداد صف خود را از منحرفین وابسته به بعث جدا و از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران تحت رهبری امام‌خمینی پشتیبانی کردند، بازداشت گردیده‌اند.

دستگیرشدگان مورد انواع اهانت‌ها و شکنجه‌های روحی و جسمی قرار گرفته‌اند. رفیق کیخسروی طی پنج ماه گذشته در اکثر بازداشتگاهها و زندانها مورد انواع تهدیدات و تطمیع‌ها قرار گرفته تا شاید از راهی که در پیش گرفته پشیمان شود و از پیروان راستین حزب بریده و همقدم اوباشانی گردد که مدتها است با انقلاب ایران و با مردم کردستان و با مشی حزب وداع گفته و هنگام با شیخ‌جلالها و رزگاریها و بقایای رژیم شاهنشاهی خود را در اختیار رژیم فاشیست بعث عراق و امپریالیسم جهانی قرار داده‌اند.

ولی رفیق کیخسروی طی این مدت نه تنها ذره‌ای تردید به خود راه نداده، بلکه مایه قوت قلب و تسلی خاطر دیگر رفقای هم‌زنجیر خود نیز گردیده است.

ضد انقلابیون سرسپرده وقتی تمام تلاشهای خود را در به بیراهه و انحراف کشاندن کیخسروی ببوده یافتند، طبق اخبار واصله طی چند روز گذشته او و یکی دیگر از رفقا را در به اصطلاح دادگاه انقلابی خود محکوم به مرگ کرده‌اند.

ما ضمن افشای این عمل ضد انقلابی و ضد انسانی دارودسته قاسملو و محکوم کردن آن، از مردم کردستان و از نیروهای راستین انقلابی ایران و از سازمانهای مترقی جهان میخواهیم برای نجات جان کیخسروی و یارانش اقدام نمایند. اعمال ضد بشری و وحشیانه و خائنانه سرسپردگان بعث را یش از یش بر ملا و ماهیت ییادادگهای دشمنان خلق و انقلاب ایران را برای مردم روشن کرده و ماسک دمکراسی و خودمختاری‌خواهی را از چهره کریمه این دشمنان خلق و انقلاب اسلامی ایران بیشتر بالا بزنند.

بدون شک، بازداشت، شکنجه و اعدام کیخسرویها، دارودسته قاسملو را از ننگ خیانت به مردم، انقلاب اسلامی و حزب دمکرات کردستان و از رسوائی ابدی رها نخواهد ساخت. مردم ما و پیروان کنگره چهارم با اعمال فشار و تضییق و بازداشت و اعدام وسیله ضد انقلابیون سرسپرده بعث، راه خود را، که راه حمایت از انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایرانست، ترک نخواهند گفت و از کيفر خائنین به مردم و قاتلین آزادیخواهان صرف نظر نخواهند کرد. پیروزی حق بر باطل حتمی است و شکست و رسوائی ضد انقلابیون دارودسته قاسملو اجتناب‌ناپذیر.

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم)

۱۳۵۹-۹-۱۸

# پیرامون اوضاع لهستان

(۱)

س: اگر در لهستان دولت سوسیالیستی و حکومت زحمتکشان برقرار است، چگونه کارگران در آنجا دست به اعتصاب گسترده‌ای زده‌اند؟

ج: نه فقط مطبوعات ارتجاعی و تمام دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی جهان، بلکه بخشی از مطبوعات ضد امپریالیستی ایران هم، بویژه آن‌ها که با سوسیالیسم زیاد میانه خوبی ندارند و خیلی دوست دارند به سوسیالیسم، با آن که واقعا بزرگ‌ترین پشتیبان انقلاب ایران است، ضربه‌های وارد آید، درباره این اعتصاب کارگران لهستان، خیلی جنجال کردند. خوب، این دفعه اول نیست که ما با این مسائل روبرو می‌شویم؛ از لحظه انقلاب اکثر تاکنون این گونه نیروها، که به بطور کلی مخالف کومیس همد (یا هر موقع گیری، حالا مذهبی، یا غیر مذهبی، وابسته به افکار سیاسی یا خرد بورژوازی)، این‌ها از هر ناکامی که سوسیالیسم در دوران طولانی مبارزه‌اش با آن روبرو گردیده، همیشه خیلی خوشحال بوده‌اند. ولی وقتی ما به تاریخ رجوع می‌کنیم، می‌بینیم که خوشحالی این‌ها خیلی دراز مدت نیست. دشواری‌های سوسیالیسم نمی‌تواند ریشه‌دار باشد و به همین جهت گرفتاری‌های خودش را در هر مرحله ای حل کرده، راه حل برایش پیدا کرده و حل این گرفتاری‌ها تبدیل شده است به تحت برتری برای موفقیت بزرگ‌تر. واقعیت تاریخ ۶۳ ساله نشان می‌دهد، که سوسیالیسم با هزاران گرفتاری روبرو بوده است. این گرفتاری‌ها فقط ناشی از تلاش‌های خرابکارانه دشمن، ناشی از مقاومت عناصر ضد انقلابی یا عناصر غیر سوسیالیستی نبوده، بلکه میزان قابل توجهی از آن‌ها، ناشی از اشتباهات برخی از رهبران بوده است. لنین درباره اشتباهات، عبارت معروفی دارد که من الآن عین آن را می‌نویسم برایتان نقل کنم. عین آن در ضمن مقاله‌ای که درباره بحث جاجرکیا، در مورد اشتباهات حزب ما نوشته‌ام، نقل کرده‌ام، و رفقها می‌توانند به آن مراجعه کنند. محتوای کلی آن این است که لنین می‌گوید اگر کسانی تصور کنند که سوسیالیسم را می‌توان ساخت، بدون این‌که بارها آنچه را که ساختیم خراب کنیم و دوباره به ساختن بپردازیم، آن‌ها از کومیس هیچ نمی‌دانند. برای چه؟ برای این که سوسیالیسم بعد از چندین هزار سال جامعه طبقاتی، دارد یک چیز نو می‌سازد. در ساختن این نو، به هیچ چیز گذشته‌ای تکیه نمی‌کند. سرمایه‌داری برای احداث جامعه نو، تلاش از بسیاری جهات به همان شیوه‌های جامعه کهنه عمل می‌کرد؛ کارگرها را زین، بدرشان را درآور، غارتشان کن، استثمارشان کن، همان طوری که در گذشته، به نحو دیگری زحمتکشان را استثمار می‌کردند. غارت می‌کردند. ولی سوسیالیسم باید به کلی به شکل تازه‌ای عمل کند. ما می‌بینیم که الآن سرمایه‌داری فرانس به چه شیوه‌هایی با اعتصاب کارگران روبرو می‌شود، اگر بپسند خلی سلوغ می‌کند، ارتش را پیش می‌کشد، سرکوشان می‌کند، داغانتان می‌کند، ولی سوسیالیسم که با کارگران این کارها را نمی‌خواهد کند، می‌رود با آن‌ها می‌سیند، حرف می‌زند، ناراضی‌هایشان را مطلق می‌کند. در برنامه‌های تنظیم اساسات اقتصادی، گاهی اوقات بفرجه‌های پیدا می‌شود. ما خوب می‌دانیم که در سال‌های اخیر این بحران جهانی سرمایه‌داری، در اساسات کشورهای سوسیالیستی هم تا حدی وجود دارد. برای چه؟ برای این که این کشورها تا حدودی مجبور بودند با دنیای آنجا مامولت و روابط اقتصادی داشته‌اند. فقط یک نمونه را ذکر می‌کنم. کشورهای سوسیالیستی به‌طور کلی صادرکننده کالاهای دراز مدت هستند، یعنی ماشین‌آلات صادر می‌کنند، کارخانه صادر می‌کنند. آنها که تیغ زیت و آدامس و شکلات و از این چیزها صادر نمی‌کنند. در مقابل این ماشین‌ها و کارخانه‌ها و غیره مقدار زیادی مواد خام لازم دارند، احتیاجات روزمره، کوناه مدت دارند، قهوه لازم دارند، جای لازم دارند، برج لازم دارند، برای دام‌های درت لازم دارند. اینها مورد احتیاج روزمره ایران

**جمعی از خوانندگان نامه «مردم» ضمن نامه‌های خود اظهار تمایل کرده‌اند که پاسخهای رقیب کیانوری به پرسشهای مختلف مطرح شده در جلسات مرسوم «پرسش و پاسخ» درباره اوضاع کنونی لهستان یکجا به چاپ برسد. در انجام این خواهش خوانندگان متن سه پرسش و پاسخ مربوط به جلسات ۱۲ شهریور، ۱۹ شهریور و ۱۶ آذر ۱۳۵۹ تر زیر درج می‌گردد.**

(۲)

س: آیا توضیح رهبران حزب و دولت لهستان، جنبه‌اصولی دارد؟ آیا نباید قبل از این که جوابی بدهند، پرسش‌ها را به دقت بررسی کنند؟

ج: سؤال جالبی است. من در پرسش و پاسخ هفته قبل درباره این رویداد لهستان توضیحاتی دادم. برخلاف آنچه که در عیان به ما نسبت می‌دهند، ما به هیچ وجه عقیده نداریم که در کشورهای سوسیالیستی دشواری پیدا نمی‌شود. و ساختمان سوسیالیسم، نظیر اتوبان صاف و سراسری است که با سرعت سیمد، چهارصد کیلومتر در ساعت می‌شود در آن راند و هیچ اتفاقی نمی‌افتد. چنین چیزی نیست. ساختمان سوسیالیسم، روند بسیار پیچیده و غیرتجربی است و پیشرفت آن با دشواری‌های فراوان انجام می‌گیرد. دنیای سوسیالیستی با دشواری‌های فراوان همراه است. این ارتباط، تنها ارتباط سیاسی نیست. ارتباط اقتصادی، فرهنگی، رادیو و تلویزیونی و غیره هم هست. یعنی دنیای سوسیالیسم در عین حال که طبق قوانین عینی خود پیشرفت می‌کند، از بحران‌های جهان سرمایه‌داری امپریالیستی نیز نمی‌تواند کاملاً مصون بماند. حتی احزاب کومنیست هم در قبال تاثیرات خارجی کاملاً بی‌تفاوت نیستند. بازمانده‌های ایبدلوزی بورژوازی، حتی در داخل احزاب کومنیست نیز می‌تواند برخی عناصر مستعصر و ضعیف را به انحرف بکشد. این را ما نمی‌گوییم، لنین بارها این مطلب را خاطرنشان کرده است و به همین جهت هم احزاب کومنیست، در طول تاریخ خود بارها مجبور به تصفیه و پاکسازی درونی می‌شوند.

میلیون - چهل میلیون نفری، با صدها میلیارد خسارات. چنین چیزی غیرممکن است. این تصور و این انتظار که گویا تعویض قدرت، بلافاصله همه مشکلات را حل می‌کند، در انقلاب اسلامی ایران هم وجود داشت. ولی حالا بوش، یواس‌ا دارند سفینه‌کند، کاره‌های آسانی نیست. به این آسانی و با تعارضی نبود خانه ساخت، کارخانه‌ها را به راه انداخت، بیکاری را از بین برد، جلوی گرانی را گرفت. کار خیلی مشکل است و روز به روز هم مشکل‌تر می‌شود.

س: اما در مورد کشور سوسیالیستی لهستان و وضعی که اکنون در آنجا پیش آمده، باید گفت که این وضع در نتیجه یک سلسله عوامل گوناگون پدید آمده که بعضی از آن‌ها کاملاً عینی و ناشی از تاثیر شدید بحران کنونی جهان سرمایه‌داری است. واقعیت این است که رهبری پیشین کشور سیاستی اتخاذ کرده بود که اقتصاد لهستان را با سرعت بسیار زیاد توسعه دهد و در این راه نامدتی کامیابی‌های بزرگی هم بدست آورد. صنایع لهستان سریع رشد کرد و یک جهش واقعی در آن انجام گرفت. ولی این پیشرفت، سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی را ایجاب می‌کرد که بهری بیشین بخش قابل ملاحظه‌ای از آن غرم تامین می‌کرد و این یک‌شمیر سوسیالیسم کوشیده است. کلیسای کاتولیک برخلاف آنچه که امام خمینی در سال‌های اخیر در زمینه «مبارزه با استکبار و استبداد» امپریالیسم انجام داده، همان‌گونه که خود امام

(۳)

س: لطفا درباره علت پیدایش دشواری‌ها در لهستان توضیح دهید.

ج: من درباره این سؤال، در جلسات گذشته فصل توضیح داده‌ام و این توضیحات به قوت خود باقی است و علاوه بر مضمون مذکور، عامل اساسی، همان اشتباهات رهبری دولت و حزب لهستان در ارزیابی مسائل اقتصادی، در ارزیابی مسائل ارتباطی با بهبود شرایط زندگی و اقتصادی بوده است. عامل پیدایش حالت بحران کنونی در لهستان همین اشتباهات بوده است. ولی همان‌طور که در جلسات پیش گفتم، امپریالیسم طی سال‌های متناهی با استفاده از کلیسای کاتولیک در جهت تحریک مردم علیه سوسیالیسم کوشیده است. کلیسای کاتولیک برخلاف آنچه که امام خمینی در سال‌های اخیر در زمینه «مبارزه با استکبار و استبداد» امپریالیسم انجام داده، همان‌گونه که خود امام داشته، همیشه در جهت تقویت استکبار جهانی و غارتگری جهانی عمل کرده و هیچ موردی دیده‌نشده است که دست‌ها پاپ از حقوق محرومان دفاع کرده باشد. پس از آن که امپریالیسم جهانی به کمک گردانندگان کلیسای کاتولیک توانست اسفند لهستانی را به عنوان پاپ در واتیکان بنشانند، دیگر معلوم بود که تحریکات امپریالیسم در لهستان از راه کلیسای حتما شدت می‌یافت. خواهد گرفت. به این ترتیب دو عامل، یکی عامل آگاهانه، تحریک با استفاده از احساسات مذهبی توده‌های مذهبی لهستان و دیگری عامل اشتباهات جدی در ارزیابی‌های اقتصادی و اجتماعی از طرف رهبری حزب و دولت در لهستان، با هم توام شدند و وضع کنونی را بوجود آوردند. در این جا البته فراموش نکنیم که اخباری که به ایران میرسد همان قدر بزرگ شده و اغراق‌آمیز است که اخبار رسانه‌های گروهی دنیای امپریالیستی در مورد اوضاع ایران به افغانستان، محافل دولتی ایران به حد کافی از دروغ پردازی‌های ست‌دار و موزیانه خبرگزاری‌های جهان امپریالیستی علیه ایران پرده برداشته‌اند. ما می‌دانیم که این اخبار تا چه اندازه اغراق‌آمیز، کین‌توزان و خصمانه بوده است. اینها همان رسانه‌های گروهی هستند که خمتی دستور داده است نسبت‌های زنان را در خیابان‌ها بپزند! دروغ بردازی آنها تا بدین درجه بی‌شرمانه و زدیانه است. حالا هم سوسیالیسم مدام قوی‌تر می‌شود یعنی با جبران اشتباهات و از بین بردن نواقص و کمبودهای خودش، راه را برای تقویت پیش از پیشین جامعه سوسیالیستی و حزب رهبر جامعه هموارتر می‌سازد. برای یک لحظه در نظر خود مجسم کنید که جامعه سوسیالیستی علمی، از هنگام بنیان‌گذاری آن توسط مارکس و انگلس، چه بوده و حالا در بنیه جهان به چه رسیده و چه کوه‌هایی از انواع دشواری‌ها را پشت سر گذارده است. چه اشتباهات فاحشی را جبران کرده و بر چه انحراف‌هایی غالب آمده است. مگر کسانی که سوسیالیسم علمی را پایه‌گذاری کردند چند نفر بودند؟ اولین جمیت آن‌ها بیش از ۱۰۰-۲۰۰ نفر نبودند! ولی ۷۰ سال بعد سوسیالیسم علمی در یک ششم کره ارض به پیروزی دوران‌ساز جهانی رسید. پس دوران‌های موحش جنگ داخلی و جنگ جهانی را با پیروزی‌های تاریخی عظیم پشت سر گذاشت. و جامعه جهانی کشورهای سوسیالیستی پدید آمد. همه این مراحل با اشتباهات و گناه این اشتباهات سنگینی همراه بوده است. اشتباهات یک جامعه، نو که هیچ نمونه‌ای در سابق برایش وجود نداشته

کارگران با تجمع در سندیکاها و انجمن‌های صنفی - سیاسی خود، مشت لیبرال‌ها را باز خواهند کرد

# لیبرال‌ها در کارخانه

می‌دانیم که لیبرال‌های خواستند و می‌خواهند نظام سرمایه‌داری وابسته را در ایران انقلابی حفظ کنند. درست است که آن‌ها با بعضی از جنبه‌های زسوازی رژیم سابق موافق نبودند، ولی اگر شاه به جای حکومت "سلطنت" می‌کرد و سهم بیشتری را در غارتگری به آن‌ها اختصاص می‌داد، لیبرال‌ها مشکل که با ساواک هم مخالفت داشتند!

خلق و البته در مقابل طبقه کارگر ایران قرار داشتند. مخالفت لیبرال‌ها با مصادره انقلابی اموال سرمایه‌داران بزرگ، تقسیم زمین‌های فئودال‌ها، سلب قدرت از سرکردگان رژیم قبلی و غارت گران بیت‌المال و مجازات آنها، ملی کردن مراکز بزرگ صنعتی و بانکی، که با سرمایه مشترک امپریالیست‌ها و

لیبرال‌ها مخالف سرسخت دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود هستند. این مخالفت در کارخانه‌ها و مراکز صنعتی و تولیدی، به این شکل طرح می‌شود که شورا و سندیکا دیگر چه صیغه‌ای است؟! لیبرال‌ها می‌گویند: اگر مساله اداره کارخانه‌ها در میان باشد، که کار را باید به کارگران و به "اهلش" سپرد! و از نظر آن‌ها، کارفرمایان چنین کسانی هستند، که در این راه استخوان خرد کرده‌اند و دود چراغ خورده‌اند! این کارفرمایان می‌دانند چگونه باید کارها را اداره کرد، مواد اولیه تهیه کرد، وسایل را فراهم آورد، کار فروش محصولات را سر- سامان داد. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که: "مدیر انقلابی یعنی چه؟ دخالت کارگران در اداره کارگاه‌ها دیگر کدام است؟ شوراها مزاحم اندوکاران خراب می‌کنند" (!) و نظایر آن.

است، پژمردگی قبل از شکوفایی است و مگر در بخش دیگر، که از رعایت قانون‌گذاری خبری نبوده و نیست، همین لیبرال‌ها از ته دل راضی نیستند؟ راستی کدام یک از آن‌ها تل- کتون به کار کودکان و نوجوانان در حقیقت معادن و کارگاه‌های کوچک، کمترین اعتراضی کرده‌اند؟

مراد یک‌ه‌تا باشد! آن‌ها همه نقشه‌ها را کشیدند تا: - کارگران را از تصمیم‌گیری و شرکت فعال در امر تولید بازدارند. - جلوی انجمن‌های صنفی - سیاسی طبقه کارگر را بگیرند. - منافع کارفرمایان طاغوتی را بهر وسیله که شده، حفظ کنند. - قوانین قبلی را، به ویژه

## لیبرال‌ها مخالف دولتی شدن اداره شورایی و انقلابی واحدهای تولیدی‌اند.

نوکران‌شان دایر شده بود، "طبیعی" بود. آنها خواستار سلب قدرت از غارت‌گران و مجازات آنها نبودند. آنها نمی‌خواستند به مالکیت بزرگ صنعتی و بانکی و ارضی کوچک‌ترین لطمه‌ای وارد آید. ولی امان از دست کارگران و دهقانان! امان از دست انقلاب! لیبرال‌ها از قاطعیت رهبران انقلاب از شرکت موثر روحانیت مبارز پیرو خط امام در تحقق آرمان‌های انقلاب

امروز شاه و رژیم سرسپرده او به گورستان تاریخ سپرده شده‌اند. لیبرال‌ها می‌توانند آنقدر "نرمش" داشته باشند و از خود "گذشت" نشان بدهند که این خود تازه را بپذیرند. ولی تنها همین جا!

خوشبختانه سرنوشت رژیم خائن پهلوی، که به برکت انقلاب یکپارچه توده‌های میلیونی انجام گرفت. نمی‌توانست از "دزد اصلی" غافل بماند. رهبر انقلاب، امام خمینی، ارباب‌شاه را "شیطان بزرگ" نامید و از مردم خواست مبارزه خود را علیه او شدت بخشند و با بیانی دلنشین تاکید کرد که: هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید!

توده‌ها همه قدم‌ها، قلم‌ها و تفنگ‌ها را به سوی آمریکا - دشمن اصلی همه محرومین جهان - نشانده رفتند. انقلاب در صراط مستقیم حرکت می‌کرد، تا شمار اصلی خود، یعنی "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" را تحقق بخشد.

در این مبارزه ساله حاکمیت مستضعفین نابودی کاخ نشینان و قطع دست غارت‌گران در دستور قرار گرفته بود، و سرمایه‌داری لیبرال کلاه خود را بر باد رفته می‌دید.

برای لیبرال‌ها هیچ چیز درد - ناکتر از آن نبوده و نیست که توده‌های زحمتکشان به میدان بیایند و همه کارها را خراب کنند! آخر سخن از سلب حاکمیت و مالکیت سرمایه‌داران بزرگ و مالکان

## لیبرال‌ها قانون کار قبلی را معقول می‌دانند و نمی‌خواهند با تصویب قانون انقلابی کار منافع زحمتکشان تامین شود.

لیبرال‌ها بیشتر در تنگنا قرار می‌گرفتند. امروز لیبرال‌ها تا حدود زیادی افشا شده‌اند، نظرات آن‌ها روشن شده است و مردم ایران با تجربه خود "خط" آن‌ها را، که در نقطه مقابل خط انقلابی امام قرار دارد، شناخته‌اند. اما نظریات و مواضع لیبرالی در کارخانه‌ها، هم از نظر شکل تولید و هم از لحاظ مدیریت و مالکیت، و حقوق کارگران، چگونه تبلیغ می‌شود؟

## طبقه کارگر آماده دفاع از حقوق و منافع صنفی و سیاسی خود، آماده پیکار در راه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است.

و از ایجاد سبادهای انقلابی، استاده و وحشت‌زده شدند. در قلمرو لیبرال‌ها ملی کردن کارخانه‌های بزرگ فاجعه بود. قطع رابطه با امپریالیسم آمریکا دیوانگی بود! نهادهای انقلابی، مثل دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌ها، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و... چون خاری در چشم لیبرال‌ها بودند. این نهادها دقیقاً همان کاری را می‌کردند که لیبرال‌ها به شدت با آن مخالف بودند و هر روز که از موجودیت این نهادها برآمده از انقلاب می‌گذشت اجرا شود. اما کدام قانون؟ این جا لیبرال‌ها خود را نشان می‌دهند: "چه معنی دارد که هرچه از گذشته مانده، طرد شود؟!"

می‌بینیم که ظاهر استدلال فریبنده است، ولی لیبرال‌ها نمی‌گویند که قانون در گذشته از دست چه کسانی بود و بر سر کدام افراد در حکم چاق فرود می‌آمد. دلیل ساده‌ای بر این ادعا این است که: ماده سی و سه همین قانون، کارگران را به راحتی آشنامیدن یک‌لیوان آب، از هستی ساقط می‌کند! خوب بود لیبرال‌ها برای مردم توضیح می‌دادند که چرا در همان بخش محدودی که این قانون کار رعایت می‌شده، باز هم زندگی کارگران غرق در محرومیت است، یک عمر جان کندن است، فقر و بیماری

هنوز در بسیاری از واحدها، به ویژه در کارگاه‌ها و مراکز کوچک تولید، که اکثریت کارگران میهن ما را در خود جای می‌دهند، ساعات کار نامحدود است و کارگران رسماً استخدام نشده‌اند. به عبارت دیگر، روزانه کار می‌کنند و فزاد آن‌ها تاریخ تاریک است. از بیمه‌مزایای ابتدایی خبری نیست. شلاق کار است و خشم کارفرما. در برابر این ستم قرون وسطایی، لیبرال‌ها سکوت می‌کنند.

می‌بینیم که عوام فریبی لیبرال‌ها بیامون این که گویا قانون کار قبلی کامل است و سندیکا و شورا زیادی است، زیرا، گویا، قانون را مسئولان امر کلاً اجرا می‌کنند، در عمل چگونه آن‌ها را رسوا می‌کند. برابر همین پندارها و برای خفه کردن حرکت انقلابی کارگران، لیبرال‌ها با تمام وجود می‌کوشند که کارگران انقلابی را به بهانه‌های مختلف اخراج کنند، سندیکاها، شوراها و حتی انجمن‌های اسلامی کارخانه‌ها را منحل کنند یا زیر فشار بگذارند، کارگران را "اخلال‌گر" بنامند و اجازه ندهند که سنت‌های انقلابی، که در جامعه احیا شده‌است به این مراکز رخنه کند.

کارنامه دولت موقت لیبرال‌ها در اداره صنایع ملی شده از این نظر گویا و نمونه‌وار است. لیبرال‌ها مدیران انتصابی خود را به این واحدهای ملی شده گسیل داشتند.

مدیرانی که لیاقت خود را بعضاً در احزاب ایران‌نویس و رستاخیز و کلوب‌های امپریالیستی نشان داده بودند! بسیاری از این مدیران کارگران را دسته دسته اخراج کردند، تولید را متوقف ساختند، دستگاه‌ها و وسایل را به نابودی رساندند، شوراها را منحل کردند و در برابر امتیازاتی که کارگران داشتند، علامت سؤال گذاشتند و بر آن خط بطلان کشیدند. آن‌ها حتی قانون کار کذابی را هم "تو" کردند، تا با فراغ بال بر خر

## لیبرال‌ها مدافع کارفرمایان طاغوتی و مدیران وابسته‌اند.

آنجا که به ضرر کارگران صراحت کامل داشت، معتبر بدانند. - با کار شکمی در امر تولید، تامین مواد و قطعات و فروش محصولات ثابت کنند که باید وابستگی‌ها را حفظ کرد و مدیران و کارفرمایان وابسته فرشته نجاتند. - با طرح ضرورت راه‌اندازی واحدها، به هر قیمت و هر شکل، جلوی گسترش روند ملی کردن و دیگر تحولات انقلابی را بگیرند. با جمع‌بندی کلی برخوردها و نگرش لیبرال‌ها در این زمینه، به روشنی می‌توان دید که آن‌ها جاده صاف کن ضد انقلاب بوده‌اند و هستند.

آن‌ها از تعمیق و گسترش دستاوردهای انقلاب بی‌مناک و وحشت‌زده‌اند، و امروز که وزیر کار و امور اجتماعی با موضع دفاع از منافع کارگران به کار پرداخته‌است، باید انتظار داشت که لیبرال‌ها نیش خود را فرود آورند. درست به همین دلیل کارگران ایران باید با درک لیبرالیسم و به ویژه نحوه عمل لیبرال‌ها، و با فشرده کردن صفوف خود، به پشتیبانی از خط امام و دفاع از انقلاب برخیزند. لیبرال‌ها می‌کوشند به هر وسیله که می‌توانند بر تدوین قانون کار تاثیر گذارند و جوهر انقلابی آن را رقیق و کم‌رنگ کنند. کارگران با شرکت فعال خود در این کار، توطئه لیبرال‌ها را عقیم خواهند گذاشت. لیبرال‌ها قطعاً کمبودها و نا- رسانی‌ها را بهانه خواهند کرد و با

## لیبرال‌ها یار غار عناصر وابسته به ضدانقلاب در واحدهای تولیدی‌اند و با تکیه به آن‌ها طرح خود را دنبال می‌کنند.

عوام فریبی همیشگی خود درصدد برخواهند آمد تا نهادهای انقلابی را مسؤل آشفته‌گی‌ها بدانند. کارگران با تجمع و تشکل در سندیکاها و مجامع صنفی - سیاسی خود مشت لیبرال‌ها را باز خواهند کرد. لیبرال‌ها مدافع کارفرمایان طاغوتی و دشمنان طبقه کارگرند. طبقه کارگر ایران آماده دفاع از حقوق و منافع صنفی و سیاسی خود، آماده پیکار در راه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ضد - امپریالیستی و خلقی است.

در صورت لزوم توسط مقامهای مربوطه مسلح و در برابر تهاجمات وحشیانه بعضی‌ها به مقابله برخیزیم. باشد از این راه "شیطان بزرگ" امپریالیسم آمریکا "رایگورستان" بسپاریم.

نمایشیم و خود را هر چه زودتر جهت مقابله با تهاجمات نظامی آنها آماده‌نمائیم و این امر میسر نیست مگر اینکه آموزشهای نظامی و جنگی لازم را آموخته باشیم. بنا بر این منجمت کارگران مجتمع

اسرائیل غاصب و عربستان شده است. در چنین شرایطی وظیفه ما این است که جان برکف در مقابل تهاجمات نظامی رژیم ضد - مردمی صدام تکریستی خائن و اربابان امریکائیش ایستادگی

از میهن شده‌اند. در این اطلاعیه از جمله می‌خوانیم: "در شرایط حساس کنونی، امریکای جنایتکار و رتگر بطور مداوم علیه انقلاب ما توطئه میکند و حکومت مرتجع عراق آشکارا در خدمت

کارگران مجتمع پروژه اسکله جدید بندر عباس: آمریکا ابگورمی سپاریم

# طبقه کارگر ایران در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

### تامین و توزیع ماشین آلات و وسائل کشاورزی باید در اختیار و زیر نظارت دولت باشد

دهقانان همدان خواستی را مطرح میکنند که مبتلا به اکثریت عظیم روستاییان است آنها خواستار توزیع دولتی ابزار و وسائل کشاورزی و ارتباط مستقیم با مقامات مسئول کشاورزی کشور هستند. یکی از مشکلات عمده روستاییان این منطقه، در ارتباط با کشت آبی، عدم دسترسی آنها به موتور آب و متعلقات آن است. این وسائل اغلب در اختیار سرمایه داران بزرگ و نمایندگان آنهاست و آنها با سوء استفاده از این موقعیت، در ارتقای ابزار لازم به کشاورزان کارشکنی می کنند. بر اساس اطلاع رسیده بانک کشاورزی، در مقابل بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان که باید از این نمایندگان گرفت، پول تهیه این ابزار را بصورت چک می پردازد. ولی این نمایندگان نیز معمولاً وسائل کشاورزی را بین یکتا دو ماه بعد از تحویل چک به خریدار تحویل می دهند. در نتیجه اغلب اوقات ابزار کشاورزی هنگامی بدست کشاورز می رسد که عملاً در فصل مورد نظر غیر قابل استفاده است. نقش بازدارنده و مخرب واسطه های سرمایه داری بزرگ در اینجا به روشنی دیده می شود. بانک پول را می دهد، دهقان حاضر به فعالیت است، ولی مداخله سرمایه دار مانع از استفاده بموقع از آلات کشاورزی میشود. این مسئله باعث شکایت مکرر کشاورزان و مراجع آنان به مقامات مسئول شده است. در نتیجه اخیراً بیشتر بانکها، برای رفع این نقیصه، تصمیم به پرداخت چک همزمان با تحویل کالا گرفته اند. لیکن سرمایه داران بزرگ، که تمعداً جلوی حل مسائل تولید کشاورزی را میگیرند، از این فرصت، که هنوز اقدامات اساسی در جهت

خلع ید از سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ انجام نشده است، سوء استفاده کرده و به مقابله با کشاورزان بر خاسته اند. آنها از تحویل ابزار به دهقانان خودداری می کنند و با کوتاهی و تعلل، مانع از رسیدن وسائل کار به دهقانان میشوند. عمل این سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ یکبار دیگر لزوم مبارزه قطعی با آنها و پاسخگویی سریع به نیازهای انقلاب را مورد تاکید قرار می دهد. مسئولین کشاورزی ایران باید:

(۱) دست این اعمال وابسته راقع کنند و مستقیماً ابزار لازم را در اختیار کشاورزان قرار دهند،

(۲) واردات هرگونه وسائل تولید کشاورزی باید فوراً و کاملاً ملی شود،

(۳) نظارت دولتی بر تولید ماشین آلات و ادوات کشاورزی بمنظور تشویق و توسعه آن باید برقرار شود،

(۴) تشکیل تعاونی های دهقانی برای خرید آلات ساده و مشترک کشاورزی را باید تشویق کرد،

(۵) نظارت هیئت ۷ نفری و جهاد سازندگی بر توزیع این آلات لازم است،

(۶) برای ماشین آلات بزرگتر تصمیم متخذه دایره تاسیس مراکز خدمات کشاورزی امر بسیار لازم و مثبتی است که میتواند مرکزی برای تحویل آلات و ادوات تولیدی به کشاورزان باشد. ولی حدود مدد مرکز دولتی خدمات کشاورزی بسیار زیاد است، لذا گسترش آنها را ملاحظه فرمایید. این مسئله نه فقط برای همدان، بلکه برای سراسر کشور حیاتی است.

### مردم دهستان مهربان:

## از هیئت های ۷ نفری به خاطر تقسیم زمین سپاسگزاریم و خواستار ادامه کار آنان هستیم

از مردم مهربان دهستان مهربان پیش از این نیز سخن گفته ایم و چندین بار از این دهستان را (واقع در استان همدان) معرفی کرده ایم. در این شماره به روستاهای دیگر دهستان مهربان می زنیم. روستاهایی تنه، با مردمی مبارز و زحمتکش. مردمانی که از سفره های بی رنگ خود زده اند، تا نان و پنیرشان به جنگجویان ایران در جبهه جنگ برسد، از روستای شیربروات شروع می کنیم.

### شیربروات

قریه شیربروات از توابع دهستان مهربان، که در شمال همدان قرار گرفته، دارای ۵۶ خانوار است. از این تعداد، ۳۵ خانوار خوش نشین و بقیه کشاورزند. جمعیت این قریه حدود ۲۵۰ نفر است. فاصله شیربروات تا همدان ۱۴۰ کیلومتر است.

شیربروات جلگه ای کوهستانی است که پیش از این بزرگ مالک حدود ۲۵۰ هکتار زمین مزروعی آن را در جنگ خود گرفته بود. پس از پیروزی انقلاب و کنار رفتن طاغوتیان، مسئله تقسیم اراضی در شیربروات نیز مطرح شد و به دنبال پیگیری روستاییان، هیئت ۷ نفری به شیربروات همراه یافت. این هیئت در تاریخ ۵ آبان سال ۵۹ زمین ها را به خوش نشینان واگذار کرد. دهقانان یکصد می گویند:

"ما از هیئت ۷ نفری بسیار سپاسگزاریم که به موقع وقایع عمل کرد و زمین بزرگ مالکی را به صاحبان واقعی آن، یعنی دهقانان واگذار نمود، آن روز می گویند که در سایر دهات دهستان مهربان نیز این کار عملی شود.

با وجود مستعد بودن زمین های کشاورزی در منطقه شیربروات، کمبود آب به امر کشاورزی لطمه زیادی زده است و مردم از مسئولین می خواهند که به این موضوع حیاتی رسیدگی کنند. جاده قریه شیربروات نیز مانند اکثر روستاها خراب است و با اولین برف زمستانی راه آن بسته می شود.

جهاد سازندگی، این نهاد انقلابی، به قریه شیربروات هم رفته است، و به قول یکی از اهالی، به افراد زیادی کمک های لازم را کرده است. مردم روستای شیربروات از داشتن حمام بهداشتی محرومند و از جهاد سازندگی و مقامات مسئول انتظار دارند که به خواست های برحق آن ها توجه کنند.

مردم شیربروات تاکنون بارها آمادگی خود را برای شرکت در بسیج عمومی اعلام کرده اند، ولی هنوز با بسیج به این روستا باز نشده است. با این وصف زحمتکشان شیربروات تاکنون چند بار برای جنگجویان جبهه غرب پول، نان و پنیر فرستاده اند.

### چهارسوق

در قریه چهارسوق از توابع دهستان مهربان، که فاصله آن تا همدان حدود ۱۴۲ کیلومتر است، ۷۰ خانوار زندگی می کنند، که تعداد آن ها به ۴۰۰ نفر می رسد. این روستا کوهستانی است و زمین های مزروعی آن، که مساحت آن به ۴۰۰ هکتار می رسد، تا پیش از انقلاب در اختیار بزرگ مالک بود. در تاریخ ۱۷ آبان ماه سال جاری، این اراضی با حضور نماینده اهالی روستا توسط هیئت ۷ نفری و طبق قانون مصوب شورای انقلاب، بین مردم تقسیم شد. از عمل انقلابی، مثبت هیئت در اجرای وظیفه خطر خویشتن، هم خوش نشین ها و هم دهقانان کم زمین سهم برده اند. یکی از دهقانان در مورد واگذاری

اراضی می گوید:

"هیئت ۷ نفری ما را از دست این مالکان خونخوار نجات داد. ما حالا می دانیم که هر چه بکاریم، مال خودمان است و دسترنجمان به خودمان می رسد. ما از این بابت هم از امام خمینی و هم از هیئت ۷ نفری متشکریم." جاده قریه چهارسوق خراب است و احتیاج به شن ریزی و مرمت دارد. حمام این قریه هم مانند سایر روستاها خزینهای غیر بهداشتی است. میزان آب چهارسوق بسیار کم است، ولی در حال حاضر جهاد سازندگی مشغول برگرداندن آب رودخانه و مرمت چشمه روستا است. اهالی این روستا همچنین از رسیدن نفت به منطقه گلدارند. در چهارسوق یک مدرسه ۳ کلاسه وجود دارد، که طبعاً پاسخگوی نیازهای اهالی روستا نیست.

اهالی قریه چهارسوق، که به برکت انقلاب بزرگ مردم ایران، از زیر یوغ اربابان و وابستگان رژیم گذشته خارج شده اند، آماده دفاع از انقلاب و شرکت در بسیج عمومی هستند. آن ها تاکنون ۱۶ گوسفند، یک خروار نان و ۲ هزار ریال به جنگ زدگان کمک کرده اند.

### جیران گجن

روستای جیران گجن، که در نزدیکی چهارسوق واقع است، حدود ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ هکتار زمین دیمی دارد، که مالک آن همان مالک سابق روستای چهارسوق است. این شخص در چندین روستای مجاور نیز زمین های زیادی داشته است. با کمال تأسف زمین های این روستا هنوز به دهقانان واگذار نشده و دهقانان جیران گجن منتظر رفتن هیئت ۷ نفری به این روستا و واگذاری اراضی مذکور هستند. آن ها می گویند: "ارباب اسلالم محصول ما را برد، ما به زور و در صورت نبودن او، فقط می توانیم گوسفندان خود را در اینجا بچرانیم."

ماضن جلب توجه هیئت های ۷ نفری و سایر نهادهای انقلابی به وضعیت روستای جیران گجن، از آن ها می خواهیم که هر چه زودتر کار واگذاری زمین اربابان غارتگر را، که در چندین دهه مالک وسیع دارد، مطابق با متن قانون به انجام رسانند.

اهالی روستای جیران گجن همچنین خواستار ایجاد حمام، درمانگاه و برقراری تسهیلات در زمینه رساندن مواد سوختی، از جمله نفت به این روستا هستند. حل این مشکلات در آینده کمک خواهد کرد که روستاییان بهتر به کار تولید و کشت برسند، زمین ها را وسیع تر به برکت ببرند و محصول هر چه بیشتری تولید کنند.

### قریه چالی

قریه چالی، با ۱۷۰۰ نفر جمعیت، یکی از بزرگترین روستاهای توابع دهستان مهربان است، که فاصله آن تا همدان حدود ۱۵۰ کیلومتر است. در این قریه ۳۶۰ خانوار زندگی می کنند که ۸۰ خانوار آن خوش نشین و بقیه کشاورز هستند. موقعیت این روستا جلگه ای است و به علت خرابی جاده روستا، با اولین برف ارتباط با سایر نقاط قطع می شود. در این روستا یک مدرسه ۵ کلاسه وجود دارد و درمانگاه و حمام بهداشتی در آن خبری نیست. حمام روستای چالی به صورت دوشی است که اهالی آن

را سه الی چهار سال قبل ساخته اند. میزان آب این روستا نسبتاً خوب و کافی است و دارای ۴۵ جبه موتور دار است. از اهالی چالی تاکنون ۷ نفر به جبهه رفته اند. روستاییان می گویند: "ما همه جان فدا هستیم و فعلاً این هفت نفر به جبهه نبرد با صدام آمریکا رفته اند و بقیه هم آماده شرکت در بسیج عمومی و دفاع از انقلاب بزرگ ایران هستیم."

آن ها تاکنون حدود ۷ هزار ریال پول نقد و ۴۵ راس گوسفند به جنگ زدگان کمک کرده اند.

روستاییان چالی خواستار واگذاری زمین و بزرگند هستند، تا با پشتکار و حدیث به خودکفایی کشور کمک کنند و نیروی خود را در اختیار انقلاب بگذارند. آن ها آماده اند که همانطور که ۷ تن از جوانان ده در جبهه می جنگند، بقیه نیز در سنگر تولید، در کشتزارها، با تولید بیشتر به جهاد بپردازند.

### اکتلو

در روستای اکتلو، که در ۱۴۵ کیلومتری همدان واقع است، ۴۰۰ خانوار زندگی می کنند، که ۲۳ خانوار آن خوش نشین و بقیه کشاورز هستند. محصول عمده کشاورزی این روستا گندم، جو و سیب زمینی است.

راه اکتلو خراب است و احتیاج به شن ریزی و مرمت دارد. حمام اکتلو دوشی است، ولی به علت رسیدن گاز و نسیل تعطیل شده است. اکتلو دارای مدرسه راهنمایی و در مانگاه است، لیکن نه معلم دارد و نه پزشک. در نتیجه این مدرسه و درمانگاه عملاً پاسخگوی نیازهای مردم نیستند. در حال حاضر جهاد سازندگی مشغول لایروبی قنوات این روستاست.

اهالی روستای اکتلو نیز، که مانند سایر زحمتکشان کشور قدر انقلاب بزرگ خود را می دانند، برای دفاع از آن آماده اند و منقضی خدمات های ۵۶ خود را جهت شرکت در جنگ معرفی کرده اند. آن ها همچنین تاکنون یک خروار نان و ۳ هزار ریال پول نقد کمک کرده اند. مهم ترین خواست های روستاییان اکتلو به شرح زیر است:

- ۱- معلم برای مدرسه راهنمایی،
- ۲- پزشک برای درمانگاه،
- ۳- مرمت جاده روستا،
- ۴- گاز و نسیل و نفت،
- ۵- برق و آب لوله کشی.

\*\*\*

دهقانان از ستون های اصلی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران هستند. پاسخگویی به نیازهای آنان، جواب به خواست های مبرم انقلاب است. با توجه به خواست های دهقانان، در جهت تمهید و تحکیم انقلاب گام برداریم. همان طور که ستاد مرکزی واگذاری زمین اعلام کرده است، علیرغم همه توطئه ها، باید کار بزرگ و اساسی واگذاری زمین با قاطعیت و بدون درهای تردید در حقانیت آن ادامه یابد. همان طور که در برخی از روستاهای دهستان مهربان و استان همدان به طور کلی انجام شده، لازم است که در سراسر کشور و با استفاده از حمایت نهادهای انقلابی و مسئولان متعدد، هیئت های ۷ نفری ریشه فاسد بزرگ مالکی را برکنند و حق را به حق دار برسانند.

### دهقانان همدان می نویسند:

ساکنان روستاهای حمزه کلا، خراسانی محله و اسبه کلا با ارسال نامه های به فرماندار شهرستان بابل، خواستار رسیدگی به وضع کارخانه آجر بزی این روستا و طی کردن آن شدند. رونوشت نامه به استانداری، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و جراید کشور فرستاده شده است. در این نامه از جمله آمده است: "زمنندگان دلبر و جان برکف اسلام در جنوب و غرب کشور با نتارچان خود از انقلاب اسلامی ایران و مرزهای میهن ما دفاع می کنند. در چنین شرایطی همانطور که امام خمینی فرمودند، کشاورزان و کارگران باید با کشاورز کوشش بیشتر تولیدشان را افزایش دهند، تا سهم خود را در این نبرد حق و باطل ادا نمایند. اما متأسفانه ما در اطراف حمزه کلا شاهد هستیم که کارخانه آجری که زمانی روزانه تا ۶ هزار آجر تولید می کرد اکنون توسط عوامل کارفرما به تعطیل کشانده شده است. زمانی صاحب این کارخانه، در جریان انقلاب، با توطئه های زیادی که به جنگ آورده بود، از کشور فرار کرد و کارخانه را تحویل بستگانش داد. آنها نیز با خرابکاری و اخلال گری در کارخانه بتدریج تولید را با این آوردند و بالاخره با اخراج کارگران (که اکثر از اهالی این روستا هستند) کارخانه را به طور کامل تعطیل کردند. عوامل زمانی اکنون مشغول قطع درختان کارخانه

امام خمینی: مستضعفین باید با زور حق خود را بگیرند.





در مطبوعات کشور

اولین هدف انقلاب نفی نفوذ آمریکابود

اگر انقلاب را تحولی بنیادین در جامعه بدانیم، در ایران انقلاب بزرگی پدید آمده است، زیرا در این نکته تردیدی نیست که اولین هدف نهضت فراگیر ملت مسلمان ایران چیزی جز نفی نفوذ و سلطه بیگانه بخصوص آمریکای بر ایران نبود و چه کسی نفی کند که در جوامع که برخوردار از رژیمهای بیگانه چون رژیم شاه معدوم است، پایه و ماهیت نظام حاکم بر جامعه را وابستگی به بیگانه تشکیل می دهد، یعنی این منافع نامشروع بیگانه است

حجت الاسلام موسوی خوئینی ها:

سرمایه داران پایگاه داخلی امپریالیسم هستند

حجت الاسلام سیدمحمد موسوی خوئینی ها، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، در پاسخ به نظرخواهی «کیهان» درباره پایگاههای داخلی امپریالیسم، چنین گفته است: «بسم الله الرحمن الرحیم - امپریالیسم تمام هویت و سرشت خود را از تجاوز و غارت میگیرد و برای رسیدن به چنین هدف پلید، در ابتدا برنده ترین ضربه اش قریب و نیرنگ است که امام امپریالیسم آمریکا را شیطان بزرگ میخواند. بنابراین اولین و ریشه دارترین پایگاه داخلی امپریالیسم وجود همین روحیه و خوی تجاوزگری در جامعه است که تبلور آشکار این روحیه در گروههای اجتماعی زیر دیده میشود: ۱- ثروتاندوزان و سرمایه داران بزرگ که در جامعه آنچه برای آنان مطرح است، جمع مال و ثروت اندوزی و زندگی اشرافی در سایه این ثروت است و برای آنان در کنار این زندگی غیر انسانی اصولا درها و رنجهای دیگران مطرح نیست، بلکه اشرافیت زندگی خود را به قیمت نابودی زندگی دیگران طلب می کند. اگر این سرمایه داران و ثروتمندان بزرگ سرکوب نشوند و قطعاته جلو ثروت اندوزی آنان از راههای قانونی و انقلابی گرفته نشود، خطر بازگشت امپریالیسم همچنان وجود خواهد داشت. در این رابطه اصل آنست که گرانفروشی، احتکار، جمع آوری ارز و بیرون بردن آن از کشور، انحصار هرگونه تولید و تجارت در فرد یا افراد و یا تولید و توزیع هرگونه کالا که به زبان جامعه است و یا بسود آن درجهت رشد و تکامل بسوی خدا نیست، از گناهان بزرگ شمرده میشود که باید در برابر آن با قاطعیت انقلابی ایستاد. ۲- آندسته از اهل قلم و دانش که نظام ارزشی و سیستم حکومتی کشورهای امپریالیستی انگلیز ایده آل برای آنهاست، که این دسته جاده سوزن دست اول هستند. دست دوم کسانی هستند که دائما در گوش جامعه نجوی می کنند که اگر بخواهید زندگی جاوید و خوشی داشته باشید، باید باین الگوها نزدیک شوید. باید از آنچه که در جوامع امپریالیستی محکوم است پرهیز کنید و باید از شجره خبیثه امپریالیسم بخورید تا به زندگی در رفاه و آسایش دست یابید.»

(کیهان - ۲۶ آذر ۵۹)

آزادی برای غارت مستضعفان؟

آن که ملت می گویم منظور همین جمعیت کوچک و بازار و خیابانها است، همین جنوب شهری ها. بدین ترتیب روشن میشود که امام از کدام ملت سخن می گوید و به کجا تکیه دارد. و این فقط مقابل و متضاد آن حرکت و جریانی است که امروز بس «ملت» به مفهوم اشراف و اعیان و سرمایه داران و زمینداران و هواداران! تکیه می کند و اقتدار مرفه اداری و تجاری و شمال شهری هسته مرکزیش را تشکیل می دهد. امام بر آنها تکیه می کند و از ملتی سخن می گوید که در بازیهای کودکانه روشنفکران حضور ندارد و دردهای از سر بیدری آنان را لمس نمی کند و گناه اساسا درسماند که از کدام «آزادی» و از کدام ملت سخن می گویند، در حالیکه «آزادی» و «ملت» او در در چنگال فقر و استضعاف و در سرنجه خبیث سرمایه داران مستبد، انحصارطلب، بیوطن و دلاروطن، با مال میشود و هیچکس بدان اشاره نمی کند. (اطلاعات - ۲۶ آذر ۵۹)



اسرائیل بازم به جنوب لبنان حمله کرد

نیروهای رژیم تجاوزکار تل آویو بار دیگر جنوب لبنان را مورد حملات وحشیانه خود قرار دادند. صدها تن از سربازان اسرائیلی در حمله ای گسترده به جنوب لبنان از رود لیتانی گذشته و به حومه شهر نبطیه حمله کردند. نیروهای هوایی و توپخانه سنگین اسرائیل از این حمله حمایت کردند.

دیرکل حزب کمونیست کانادا: طرح برنامه پنج ساله آینده اتحاد شوروی

نمایانگر تحکیم هرچه بیشتر موضع اقتصادی این کشور است

ویلیام کشتن، دبیر کل حزب کمونیست کانادا، در مصاحبه ای با خبرگزاری تاس گفت: «طرح برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی اتحاد شوروی برای دوره پنج ساله ۱۹۸۵-۱۹۸۱ که بوسیله حزب کمونیست این کشور تهیه شده، سندی دارای اهمیت بزرگ تاریخی است و مهمترین وظیفه برنامه پنج ساله یازدهم افزایش هرچه بیشتر رفاه مردم شوروی است.»

دیرکل حزب کمونیست کانادا افزود:

«افزایش تولیدات صنعتی و کشاورزی، که در برنامه پنج ساله پیش بینی شده، نمایانگر تحکیم هرچه بیشتر موضع اقتصادی شوروی است و حیثیت بین المللی این کشور را بیش از پیش افزایش خواهد داد.» وی همچنین به پیوند ناگسستی میان طرح های اقتصادی و مبارزه مردم شوروی برای صلح، خلع سلاح و تحکیم تنه زدایی اشاره کرد و یادآور شد:

«طرح های اتحاد شوروی، طرح های صلح است و پاسخی دندان شکن به ادعاهای مائوئیستها است که جنگ جهانی جدید را غیرقابل اجتناب می دانند.» دبیر کل حزب کمونیست کانادا، طرح های رشد اقتصادی شوروی را با اوضاع اقتصادی کانادا مقایسه کرد و گفت: «گامیهای مردم شوروی، بویژه با توجه به دورنمای گسترش بحران در جهان سرمایه داری و کانادا، چشمگیر است. گامیهای اتحاد شوروی نشان دهنده تفاوت های بنیادی دو نظام اجتماعی - اقتصادی است.»

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

دومین کنگره حزب کمونیست کوبا به کار خود ادامه میدهد فیدل کاسترو:

امپریالیسم آمریکا برای نابود کردن جنبش های آزادی بخش «سپاه واکنش سریع» ایجاد کرده است

قدرت نظامی و اقتصادی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه و دمکراتیک جهان ضامن حفظ صلح در جهان است. رئیس هیئت نمایندگی اتحاد شوروی: توافق میان کشورهای ذینفع، بر اساس پیشنهادهای مشخص ثنویت برزنفه، می تواند تشنجات خطرناک را در خلیج فارس از بین ببرد.

دومین کنگره حزب کمونیست کوبا، در روز ۲۶ آذر ۵۹ در هارانا کنشایش یافت. در این کنگره، که هیئت های نمایندگی از ۱۴۰ کشور خارجی در آن شرکت دارند، رفیق فیدل کاسترو، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا، طی گزارشی مفصلي نتایج پیشرفت کشور را در دوره ۵ ساله گذشته مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. فیدل کاسترو از جمله گفت:

«ما جدا معتقدیم که کمونیستها انقلابیون واقعی هستند و هیچ نیروی قادر نیست مانع کمونیست بودن ما شود. ما کمونیست بوده، هستیم و خواهیم بود. راز نیرومندی کشور کوچکمان کوبا نه در قدرت نظامی و قدرت اجتماعی و اقتصادی، بلکه در اخلاق و منویات عالی آن نهفته است.»

کوبا آخرین کشوری بود که پسند استعمار اسپانیا را پاره کرد و به استقلال گام نهاد، ولی مقدم بر دیگر کشورهای نیمکره غربی از یوغ سیادت امپریالیسم آمریکا رهایی یافت و مقدم بر همه در این قاره قدم در راه ایجاد جامعه سوسیالیستی گذاشت. ما در این راه دشوار می یابیم با نیرومندی دولت امپریالیستی مبارزه کنیم که فقط در ۹۰ مایلی کرانه کوبا قرار دارد. ما در مبارزه با ارتجاع ایستادگی کردیم. مراحل متعددی را وقتی در خطر نابودی قرار داشتیم، از سر گذراندیم. ولی کوبا طی ۴۳ سال که از اول ژانویه سال ۱۹۵۹ میگذرد، هیچ قدمی به عقب نگذاشته، هیچ گذشته امپریالیسم نکرده و از هرچیز از اندیشه ها و اصول انقلابی صرف نظر نکرده است. کوبا اگر نابود هم شود، ولی هرگز تسلیم نخواهد شد. ما اعتقاد کامل داریم که نمونه ما و دستاورد ما سرمشق جاودانه است.»

فیدل کاسترو آنگاه نتایج رشد ترقی کشور در دوران مساله گذشته را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و گفت: «تنزل قیمت قند در بازار جهانی در نخستین سال اجرای برنامه ۵ ساله، جریان افزایش ترقی که کشورهای غربی را در بر گرفت، محاصره اقتصادی کوبا از طرف امپریالیسم آمریکا و تشدید بحران اقتصادی جهان، تاثیر منفی در پیشبرد هدفهای برنامه های ما نداشته است، با وجود این، اضافه رشد تولید ناخالص ملی ۴ درصد بود. طی همین مدت میزان سرمایه گذاری در صنعت سه برابر شد، حجم تولیدات کشاورزی هر سال ۳۰ درصد افزایش پذیرفت. در حال حاضر کوبا از سیستم جدید برنامه ریزی پیشرفت اقتصادی و شیوه جدید رهبری امور اقتصاد ملی استفاده می کند.»

فیدل کاسترو ضمن تشریح وظایف پیشرفت کشور از سال ۱۹۸۱ تا سال ۱۹۸۵، از همکاری تری بخش با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی سخن راند و گفت: «حجم مبادلات بازرگانی کوبا با این کشورها طی ۵ سال آینده، ۴۰ درصد افزایش خواهد یافت و میزان سرمایه گذاری دوبرابر خواهد شد. میزان متوسط سالانه افزایش محصولات اقتصادی حدود ۵ درصد پیش بینی میشود. توجه زیادی به رشد و توسعه کشاورزی مظلوم خواهد گردید. مثلا در نظر است که تولید قند ۴۰ تا ۴۵ درصد زیاد شود. علاوه بر این، در ۵ سال آینده، ۴۰۰ هزار آبارتمان جهت زحمتکش ساختن میشود.»

فیدل کاسترو سپس به ارتقاء سطح تشکل حزب کمونیست و نیرومندی و دستاوردهای آن اشاره کرد و گفت: «همه اینها باعث شد که حزب کمونیست کوبا در داخل کشور و همچنین در سراسر جهان مورد احترام کامل قرار گیرد.»

کوبا بعبده دارد در مقدمه سخنانش پیام شادباشی ثنویت برزنفه را به کمونیستهای کوبا ابلاغ کرد و از قول وی گفت: «مردم اتحاد شوروی کاملا پشتسر دوستان کوبایی خود در تلاش موفقیت آمیز برای استقرار جامعه سوسیالیستی قرار دارند.»

چرتکو آنگاه گفت: «حزب کمونیست کوبا در حالی که به یساختن شناخته شده طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور تبدیل شده، کنگره دوم خود را برگزار می کند. حزب از حیثیت بسیار در میان توده ها برخوردار است و پیوند نزدیک با آنها دارد.»

فیدل کاسترو و کوبا در زمینه مسائل بین المللی اتفاق نظر دارند. دو کشور خواهان صلح جهانی پایدار هستند و از احترام به حق حاکمیت همه کشورها برای انتخاب راه توسعه مستقل و آزادانه خود حمایت می کنند. مسیر این راه سیاست کاهش تشنجات و همکاری مسالمت آمیز میان کشورهای، برداشتن گامهای مشخص در زمینه خلع سلاح، کاهش بحران در کانالهای بخرانی جهانی، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات در پشت میز مذاکرات است. کشورهای سوسیالیستی آماده اند بسا وسیع ترین نیروهای سیاسی و اجتماعی و روابط با همه کشورهایی که از روابط عادلانه و حسن همجواری حمایت می کنند، همکاری کنند. اصول اساسی این همکاری تنهائی توانمندی و امنیت برقرار باشد. ما در جهانی زندگی می کنیم که در آن اوضاع بسیار سریع دگرگون می شود. هیچ دورانی یک چنین دگرگونی های پویا و گسترده ای را شاهد نبوده است. تغییرات اجتماعی زنگهای نابودی سرمست ترین رژیم های دیکتاتور است. در صفا در آورده است. در آمریکای لاتین، سقوط دیکتاتورها در نیکاراگوئه و گوانادان، قیام خلقی در السالوادور و عزم هر چه راسختر، خلقهای منطقه برای استقلال و آزادی، نمونه های بسیار روشن این واقعیت است. مراکز ایدئولوژیک سرمایه داری تلاش دارند و نانو سازند که گویا بفرنج شدن اوضاع و احوال جهانی نتیجه مداخله اتحاد شوروی و کوبا و دیگر کشورهای سوسیالیستی در امور داخلی کشورهای دیگر است و اینکه گویا کشورهای سوسیالیستی تلاش دارند انقلاب را صادر کنند. اما این دروغ محض است.»

چرتکو افزود: «اتحاد شوروی و کوبا هر کشور، بخصوص با توجه به شرایط داخلی آن، متولد شده و پسر می رسند و نه آنکه از خارج آورده شوند. اما صادر کردن ضد انقلاب و مداخله خارجی در امور داخلی کشورهای سوسیالیستی بیچگونه اجازه داده نمیشود. امپریالیستها باید خوب این مطلب را درک کنند. ما کمونیستها به نیروی خرد و منطق و حسن نیت اعتقاد داریم. صلح با حیاتی ترین منافع و آرزوهای بشریت مطابقت دارد. آینده می تواند و باید تنها متعلق به سیاست صلح باشد. نمونه قانع کننده این امر پیشنهادهای اتحاد شوروی برای عادی کردن اوضاع داخلی خلیج فارس است. توافق های روشن میان کشورهای ذینفع بر اساس این ابتکار مشخص می تواند اوضاع را در یکی از بحرانی ترین نقاط جهان از حیات تشنج خارج کند.»

کنگره دوم حزب کمونیست کوبا با شرکت هیئت نمایندگی از ۱۴۰ کشور خارجی بکار خود ادامه میدهد. بعلمت محدودیت های خروج از کشور، در نتیجه جنگ تجاوزی و تحمیلی رژیم صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، حزب توده ایران توانست دعوت حزب برادر راجابت کوید و در کنگره هارانا شرکت کند.

سخنان رئیس هیئت نمایندگی شوروی کسانتین چرتکو عضو دفتر سیاسی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که ریاست هیئت نمایندگی این حزب را در کنگره دوم حزب کمونیست